

غدیر در منابع زیدیه

(قرن های دوم تا پنجم هجری)

دکتر سید علی موسوی نژاد^۱

وصال حسین اف^۲

چکیده

امروزه و در طول تاریخ به دلیل نزدیکی برخی باورهای زیدیه به معتزله، تلاش شده تا این فرقه مهم و تأثیرگذار شیعی را به اهل سنت پیوند دهند. به نظر می رسد موفقیت وهابیت در وهابی کردن بسیاری از زیدیان یمن نیز از همین جا سرچشمه می گیرد؛ در حالی که عمده گروه های زیدیه، همه شرایط یک فرقه شیعی را دارند و به امامت بدون فاصله حضرت علی علیه السلام و وجود نص در این مورد باور دارند. این تحقیق بر آن است که مسأله غدیر و باور آنان به امامت علی علیه السلام در منابع متقدم زیدیه از قرن های دوم تا پنجم هجری را بررسی و تحلیل نماید.

از میان منابع زیدیه در دوره مورد بحث، ۲۷ منبع به غدیر پرداخته

تاریخ دریافت ۱۳۸۸/۵/۱۲ تاریخ تصویب ۱۳۸۹/۱۱/۱۷

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲. دانش پژوه دکتری رشته تاریخ تشیع، گروه تاریخ اسلام جامعه المصطفی العالمیه.

(Hus-vusal@mail.ru)

شده که ضرورت دارد این منابع بررسی گردد تا این نظریه مورد بررسی قرار گیرد و مشخص گردد که آیا عمده منابع متقدم این فرقه، غدیر را به عنوان نص بر امامت بدون فاصله امیرمؤمنان علیه السلام قبول داشته‌اند؟ از آن جا که این پژوهش منابع چاپ شده را مورد توجه قرار داده، جا دارد که با توجه به نسخه‌های خطی، پژوهش جامع‌تری در این موضوع صورت پذیرد.

واژگان کلیدی

غدیر، زبیدیه، امام علی علیه السلام، امامت، فرقه شیعه، نص، منابع متقدم.

مقدمه

در سال دهم هجری، زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان دیگر از سفر حج برمی‌گشتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امر خداوند در برکه‌ای آبی به نام خم توقف کردند و دستور دادند تا ندای نماز جماعت سر دهند. وقت ظهر و هوا بسیار گرم بود. بسیاری از مردم از شدت گرما ردای خود را زیرافکنده، آماده گوش دادن به خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شدند. ایشان بر روی منبری از چهار شتر رفتند و بعد از آن که علی علیه السلام را به آن جا فراخواندند و در سمت راست خود قرار دادند، سخن رانی تاریخی خود را آغاز نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا حمد و ثنای الهی کردند و به موعظه مردم پرداختند. بعد آنان را از نزدیک شدن زمان رحلت خود آگاه کردند و سپس با صدای بلند فرمودند: «آیا من نسبت به شما از خودتان اولاً (شایسته‌تر در امور دین و دنیا) نیستم؟» گفتند: «خداوند می‌داند که اولاً هستی.» آن حضرت بازوی علی علیه السلام را گرفتند و چنان بلند کردند که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و فرمودند: «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست. خداوند، دوست‌داران او را دوست و دشمنان او را دشمن بدار؛ یاری‌کنندگان او را یاری فرما و خوارکنندگان او را خوار گردان.»^۱

۱. شیخ مفید، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه و شرح محمدباقر ساعدی خراسانی، ایران: اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ با کمی تفاوت و اختصار: محمد بن یعقوب، کلینی،

زیدیه یکی از شاخه‌های فرقه تشیع است که به نام زید بن امام سجاد علیه السلام نامیده شده است. بعد از قیام و کشته شدن زید در سال ۱۲۲ قمری، طرفدارانش نهضت او را ادامه دادند و چون به تشیع امامی به رهبری امام صادق علیه السلام و یا به فرقه‌های دیگر شیعی نپیوستند، عملاً فرقه جدیدی را به وجود آوردند. اگرچه جارودیه، سلیمانیه یا جریریه و صالحیه یا بتریه سه فرقه نخستین آن هستند، بعدها دانش‌مندان بزرگی ظهور کردند که خود صاحب رأی بودند و مکاتب جدیدی را پایه گذاشتند.

برخی عقاید زیدیه با معتزله هم‌خوانی دارند. به همین علت امروزه و در طول تاریخ، گاهی سعی شده است که این فرقه مهم و تأثیرگذار شیعی را به اهل سنت پیوند دهند. به نظر می‌رسد دعوت وهابیان در میان زیدیان یمن نیز به همین دلیل موفق بوده و تغییر مذهب خیلی از مردم آن جا را باعث شده است؛ در حالی که عمده گروه‌های زیدیه، شرایط یک فرقه شیعی را دارند و به امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام و وجود نص در این مورد معتقد بودند.

در این مقاله، گزارش‌های منابع مکتوب چاپ شده فرقه زیدیه تا پایان قرن پنجم هجری درباره غدیر بررسی شده است. از آن جا که زمان پیدایش این فرقه قرن دوم هجری است، بررسی منابع نیز از نویسندگان همان قرن آغاز می‌شود.

الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹ و ج ۸، ص ۲۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش، محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق، *الامالی*، ص ۶۷۰، قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق؛ محمد بن مسعود عیاشی، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبه العلمیه الإسلامیه، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۹، ج ۲، ص ۹۷-۹۸، قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، ۲ جلد، دارالکتاب، چاپ سوم، قم ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمدباقر أنصاری، ص ۳۵۵-۳۵۶، بی تا، بی جا، بی تا؛ احمد بن حنبل، *مسند احمد بن حنبل*، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۵۲، ج ۴، ص ۳۶۸، ۳۷۰، ج ۵، ص ۴۱۹، بیروت: دارصادر، بی تا.

نویسندگان قرن دوم

زید بن علی علیه السلام

زید فرزند امام سجاد علیه السلام بنا بر احتمال قوی، در سال هشتاد قمری در مدینه دیده به جهان گشود. او در میان مردم به علم، تقوا و شجاعت مشهور بود. زید در سال ۱۲۲ قمری در کوفه طی قیام علیه امویان به شهادت رسید.^۱

آثار متعددی از زید بن علی علیه السلام بر جای مانده و یا به او نسبت داده می‌شود. اما در میان این آثار، فقط در یک منبع و آن هم به طور کم‌رنگ به غدیر اشاره شده است. زید بن علی علیه السلام در کتاب‌های *تثبیت الامامة و تثبیت الوصية* که در مقام اثبات جانشین برای رسول خدا صلی الله علیه و آله است و یا در کتاب *الصفوة* که مباحث امامت، فضیلت و برگزیده شدن اهل بیت علیهم السلام را در آن مطرح کرده، به غدیر و آیات مربوط به آن اشاره‌ای نکرده است.^۲

۱. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، ص ۹۲، المكتبة الحیدریة، چاپ دوم، نجف: ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۵، ص ۳۲۶، دارصادر، بیروت: بی تا؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: الأمیره، ج ۵، ص ۵، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵م؛ جمال الدین احمد بن علی بن عنبه، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، تحقیق محمد حسن آل طالقانی، ص ۲۵۸، حیدریه، چاپ دوم، نجف: ۱۳۸۰ق/ ۱۹۶۱م؛ علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۱۴۷، چاپ اول، بیروت: ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م؛ محمد بن اسماعیل بخاری، *التاریخ الکبیر*، ج ۳، ص ۴۰۳، المكتبة الاسلامیة، دیاربکر، بی تا؛ یحیی بن حسین ابوطالب، *الافاده فی تاریخ ائمة الزیدیة*، تحقیق محمد یحیی سالم عزان، ص ۶۵، دار الحکمة الیمانیة، چاپ اول، صعده: ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م؛ جمال الدین مزنی، *تهذیب الکمال*، تحقیق بشار عواد معروف، ج ۳۰، مؤسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۵م، ج ۱۰، ص ۹۸؛ ابن حجر عسقلانی، *شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی، تهذیب التهذیب*، ج ۳، ص ۳۶۲، دارالفکر، چاپ اول، بیروت: ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م؛ محمد بن حبان، *الثقات*، مؤسسه الکتب الثقافیة، ج ۴، ص ۲۵۰، چاپ اول، حیدرآباد: (هند) ۱۳۹۳ق.

۲. البته امکان تحریف و تنقیص متون در دوره‌های بعدی نیز وجود دارد.

زید بن علی علیه السلام در کتاب *تفسیر غریب القرآن*^۱ در توضیح آیه تبلیغ «ای رسول، آن چه را که از پروردگارت به تو نازل شده، برسان. اگر انجام ندهی، رسالت او را تبلیغ نکرده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند»،^۲ می‌گوید که این آیه به طور خاص در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۳ هم‌چنین در توضیح آیه «و برای هر یک موالی قرار دادیم»^۴ هفت معنا برای کلمه مولا ذکر کرده که یکی از آنها "ولی" (سرپرست) است.^۵

مؤلفان قرن سوم

الف) قاسم بن ابراهیم رسی

قاسم بن ابراهیم رسی از امامان و بنیان‌گذاران تفکر و معارف زیدیه است که در سال ۱۶۹ قمری (۷۸۵ م) در مدینه به دنیا آمد. پدر او ابراهیم طباطبا از نوادگان امام حسن علیه السلام بود.^۶

۱. این کتاب در واقع، توضیح برخی واژه‌ها، عبارات و آیات قرآن کریم است که مطالب مخصوص هر سوره به طور جداگانه ذکر شده است. این کتاب را تا به حال محمدجواد حسینی جلالی و حسن محمدتقی حکیم به طور جداگانه تحقیق کرده‌اند و به چاپ رسیده است. اگرچه در تألیف یا املای این کتاب توسط زید تردید امکان دارد، علمای زیدیه نسبت آن به زید را درست قبول دارند.

۲. یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس: سوره مائده، آیه ۶۷.

۳. زید بن علی، *تفسیر غریب القرآن*، تحقیق حسن محمدتقی حکیم، ص ۱۲۹، چاپ اول، الدارالعالمیه، بیروت: ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م.

۴. «و لکل جعلنا موالی»: سوره نساء، آیه ۳۳.

۵. زید بن علی، همان، ص ۱۱۸.

۶. قاسم بن ابراهیم در علوم مختلف دینی و ادبی متبحر بود. او بعد از قیام و کشته شدن برادرش محمد بن ابراهیم در سال ۱۹۹ قمری دعوت خود را آغاز کرد، ولی بعداً به سبب مشکلاتی که به وجود آمد، فعالیت خود را به طور مخفیانه ادامه داد و در حوزه علمی و فرهنگی، آثار زیادی از خود بر جای گذاشت. قاسم رسی در سال ۲۴۶ قمری در ۷۷ سالگی در کوه سیاهی به نام رس در نزدیکی

قاسم رسی در رساله *تثبیت الامامه*، در پی ارائه ادله برای اثبات امامان معصوم علیهم السلام است. او در این باره، به آیات مختلف قرآن کریم و احادیث متعدد نبی اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که حدیث غدیر نیز جزء آنهاست. او در بخش «معجزات الانبیاء» حدیث غدیر را ذکر کرده و آن را از اقوال مشهور و معلوم پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است.^۱

در کتاب دیگری منسوب به قاسم رسی به نام *الکامل المنیر فی اثبات ولایة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب* علیه السلام و *الرد علی الخوارج*^۲ نیز در موارد متعددی به غدیر پرداخته شده است. ابتدا در بخش ادله اثبات وصیت و فضل اهل بیت ۲۷ دلیل حدیثی و تاریخی ارائه شده که ششمین دلیل از آنها حدیث غدیر است. نویسنده این حدیث را به طور مسند از عبدالرزاق از معمر از علی بن زید بن جذعان از عدی بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است. طبق این روایت، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آن که درباره اولویت خود نسبت به مؤمنان از آنان اقرار گرفتند، حدیث غدیر را ایراد

ذوالحلیفه وفات یافت. کتب و رسائل زیادی از جمله، *الاصول الخمسة*، *اصول العدل والتوحید*، *تثبیت الامامة*، *تفسیر القرآن*، *الرد علی الزندیق ابن المقفع*، *الکامل المنیر فی اثبات ولایة امیر المؤمنین* علیه السلام و *الرد علی الخوارج*، المسترشد و غیره از او به یادگار مانده است که در شکل‌گیری اندیشه زیدیه نقش بسیار مهمی داشته‌اند. برای اطلاع بیشتر از آثار قاسم رسی نک: سید علی موسوی نژاد، *تراث الزیدیه*، ص ۴۷-۵۱، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم: ۱۳۸۴ ش/ ۲۰۰۵ م.

۱. قاسم بن ابراهیم رسی، *مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی*، تحقیق عبدالکریم احمد جذبان، دارالحکمة الیمانیة، ج ۲، ص ۱۴۷-۱۴۸، چاپ اول، صنعاء: ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۱ م؛ قاسم بن ابراهیم رسی، *تثبیت الامامة لأهل بیت النبی*، ص ۵۵، تحقیق صالح الوردانی، الهداف، قاهره: بی تا.

۲. در انتساب کتاب *الکامل المنیر* به امام زیدی قاسم بن ابراهیم رسی اختلاف نظر وجود دارد. این کتاب در واقع، پاسخ و رد کتابی است که خوارج نوشتند و مدعی بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را به عنوان جانشین برای خود تعیین نکرده و برخی اصحاب از امام علی علیه السلام برتر بوده‌اند. نویسنده، در مقام رد این اندیشه به دلایل عقلی و نقلی از جمله حدیث صخره، حدیث استخلاف، حدیث منزلت، حدیث سد الابواب، حدیث رایت، حدیث مؤاخات و غیره پرداخته و احادیثی از قبیل "اصحابی کالنجوم"، "ارأف امتی بأمتی ابوبکر" و... را به نقد کشیده است.

فرمودند. تبریک عمر بن خطاب نیز در آخر گزارش آمده است.^۱

دومین موردی که در کتاب *الکامل المنیر* به حدیث غدیر پرداخته شده، دلیل بیست و یکم از دلایل ۲۷ گانه مذکور است. احتمالاً نویسنده به دلیل تفاوت سندی، آن را دلیل جداگانه به حساب آورده است. او این حدیث را از ابواحمد از شخص مورد اطمینان او از حکم بن ظهیر از پدرش از عبدالله بن حکیم بن جبیر از ابوالطفیل از زید بن ارقم نقل کرده و توضیح نسبتاً مفصل تری درباره جزئیات حادثه ارائه داده است.^۲

نویسنده در پی توضیح ماجرای شورا، مناشده‌های علی علیه السلام با اصحاب شورا را ذکر کرده است. امام علی علیه السلام در اواخر مناشده خود حدیث غدیر را نیز ذکر فرموده است.^۳ علاوه بر این دو اثر، قاسم بن ابراهیم رسی در رساله‌ای به نام *الامامة* نیز در پاسخ به سؤال "بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امام مفترض الطاعة کیست؟" همراه با آیات متعددی از قرآن کریم، به حدیث غدیر نیز تمسک جسته است.^۴

(ب) هادی‌الی‌الحق یحیی بن حسین بن قاسم رسی؛

یحیی بن حسین بن قاسم رسی ملقب به الهادی‌الی‌الحق در سال ۲۴۵ قمری در مدینه دیده به جهان گشود. او یک سال از عمر پدر بزرگش قاسم بن ابراهیم رسی را درک کرد.

یحیی که از امامان بزرگ زیدیان به شمار می‌آید، در سال ۲۸۰ قمری در یمن به قدرت رسیده، دولت تأسیس کرد و به اقامه دین و جنگ با قرامطه و بنی حارث

۱. قاسم بن ابراهیم رسی، *الکامل المنیر فی اثبات ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام والرد الخوارج*، تحقیق عبدالولی یحیی الهادی، ص ۶۱-۶۳، بی‌نا، چاپ اول، بیروت: ۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م.

۲. همان، ص ۸۳-۹۰.

۳. همان، ص ۱۸۶-۱۸۷.

۴. *مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی*، ج ۲، ص ۱۸۰.

پرداخت.^۱ به نوشته *عمدة الطالب*، هفت سال در شهر مکه خطبه را به نام یحیی بن حسین خواندند.^۲ به نوشته حمیری، یحیی نخستین کسی بود که در یمن به مذهب زیدیه دعوت کرد و آن را ترویج نمود.^۳

هادی الی الحق در کتاب *تثبیت الامامة امامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*^۴ آورده است که ابوبکر بعد از بیعت مردم، به پیشنهاد عمر بن خطاب نامه‌ای به اسامه بن زید نوشت و از او و همراهانش خواست تا به مدینه برگردند و با او بیعت کنند. اسامه در پاسخ به نامه ابوبکر به او اعتراض نموده، جریان غدیر خم را یادآور شد.^۵

دومین کتابی که هادی الی الحق در آن به غدیر پرداخته، کتاب *اصول الدین عقیده اهل بیت الطاهرین*^۶ است. نویسنده در بخش امامت حضرت علی علیه السلام دلایلی بر

۱. آملی زیدی، *تممة مصابیح ابی العباس حسنی* (همراه المصابیح)، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد حوئی، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیه، ص ۵۸۲، چاپ اول، امان: ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م، یحیی بن حسین هادی الی الحق، کتاب *اصول الدین*، مرکز اهل بیت الدراسات الاسلامیه، ص ۲۴-۲۵، چاپ اول، صعده: ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م.

۲. ابن عنبه، همان، ص ۲۰۴.

۳. ابوسعید نشوان حمیری، *حورالعین*، تحقیق کمال مصطفی، ص ۲۵۰، دار آزال، چاپ دوم، بیروت: ۱۹۸۵م؛ یحیی بن حسین از علمای کم نظیر زیدی است. آثار زیادی از جمله کتاب *های الاحکام، الفنون، المنتخب، التوحید، تفسیر القرآن، الرد علی بن الحنفیه* و... از او به ما رسیده است. او در سال ۲۹۸ قمری در ۵۳ سالگی مسموم و کشته شد. او را در مقابل محراب مسجدی که در شهر صعده بنا نهاده بود، دفن نمودند. (هادی الی الحق، کتاب *اصول الدین*، ص ۳۹-۴۲ - مقدمه تحقیق).

۴. این کتاب شامل مباحثی هم چون حوادث بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ادعای اجماع بر خلافت ابوبکر، حمله به خانه اهل بیت علیهم السلام توهین به حضرت فاطمه علیها السلام، احتجاج‌های اسامه، ابوقحافه و دیگران علیه ابوبکر، جریان فدک و غیره است.

۵. یحیی بن حسین هادی الی الحق، *تثبیت الامامة*، دار الامام السجاد علیه السلام، ص ۲۰، چاپ دوم، بیروت: ۱۴۱۹ق.

۶. این کتاب که درباره عقاید اسلامی به تحریر درآمده، شامل مقدمه‌ای از نویسنده و بحث‌های توحید، وعد و وعید، امر به معروف و نهی از منکر، امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام و اختلاف امت درباره

آن که ایشان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله برترین فرد امت بوده، ذکر می کند. او در این باره حدیث غدیر را نقل کرده و آن را از سخنان مشهور و معلوم رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار آورده است.^۱ هادی الی الحق در اثر سوم به نام *معرفة الله عزوجل من العدل والتوحيد* و تصدیق الوعد و الوعيد و اثبات النبوة و الإمامة فی النبی و آله علیهم السلام^۲ در بخش امامت علی علیه السلام بحث غدیر را پیش کشیده و آن را به طور مرسل نقل کرده است.^۳ وی هم چنین در مقدمه کتاب *الأحكام فی الحلال والحرام*^۴ که مطالبی در فضیلت اهل بیت علیهم السلام نوشته و برخی آیات و روایات در این مورد را توضیح داده، به شرح حادثه غدیر پرداخته است.^۵

ج) فرات بن ابراهیم کوفی

ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی از علمای بزرگ زیدی در قرن سوم

امامان است.

۱. هادی الی الحق، *اصول الدین*، ص ۸۷-۹۰.
۲. این کتاب که امام مرتضی لدین الله آن را از پدرش هادی الی الحق روایت کرده، شامل مباحث توحید، عدل، وعد و وعید، نبوت، امامت، امر به معروف و نهی از منکر، هدایت، ضلالت، عبادت، اراده، اذن، کفر، شرک، زکات، محکم و متشابه و تنزیه انبیاء است.
۳. یحیی بن حسین هادی الی الحق، *مجموع رسائل الامام الهادی الی الحق القویم یحیی بن حسین بن القاسم بن ابراهیم، تحقیق عبدالله بن محمد الشاذلی*، ص ۵۳، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، چاپ اول، امان: ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م؛ یحیی بن حسین هادی الی الحق، *رسائل العدل والتوحيد* (جلد دوم از کتاب مذکور)، ص ۷۵، تحقیق محمد عماره، دارالهلل، قاهره ۱۹۷۱م.
۴. این کتاب را ابوالحسن علی بن احمد بن ابی حریصه با روایت از حسن بن احمد بن محمد الضهری از محمد بن الفتح بن یوسف از محمد بن الهادی الی الحق جمع کرده است. این کتاب نظریات امام یحیی بن حسین را در ابواب مختلف فقهی مانند نماز، روزه، حج، نکاح، بیع، حدود و دیات دربردارد.
۵. یحیی بن حسین هادی الی الحق، *الأحكام فی الحلال والحرام*، ج ۱، ص ۳۷-۳۸، بی نا، چاپ اول، بی جا، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.

است که در شهر کوفه زندگی می‌کرد. گرچه منابع تاریخی و رجالی اطلاع چندانی از زندگانی او ندارند، همان طور که محقق *تفسیر فرات کوفی* نیز نوشته است،^۱ با توجه به تفسیر قرآنی که از وی باقی مانده، می‌توان او را شیعه زیدی به حساب آورد؛ به طوری که در این کتاب نصی در مورد امامان دوازده‌گانه وجود ندارد، ولی در مقابل، روایاتی از زید نقل شده که عصمت را به پنج تن از اهل بیت علیهم‌السلام منحصر می‌کند^۲ و معتقد است که غیر از امامان علی علیه‌السلام، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام هیچ شخص معینی امام مفترض الطاعة نیست.^۳

فرات کوفی در موارد متعدد تفسیر خود،^۴ هم چون ذیل آیات ۳۰ از سوره بقره، ۵۵ و ۶۷ از سوره مائده، ۱-۴ از سوره نجم، ۱-۲ از سوره معارج و ۳۱-۳۴ از سوره قیامت، به جریان غدیر خم اشاره کرده است. چون در برخی از آنها تنها به ذکر حدیث اکتفا شده، ما از ارائه همه موارد خودداری نموده، و به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. آیات ۳۱-۳۴ از سوره قیامت

فرات کوفی حدیث غدیر را ذیل این آیات از جعفر بن محمد بن عتبّه از علاء بن حسن از حفص بن حفص ثعربی از عبدالرزاق از سوره الاحول از عمار بن یاسر از ابوذر نقل کرده است. ابوذر پس از معرفی خود و گرفتن اقرار به روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره راستگویی اش، این حدیث را ذکر کرده و یادآور شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روز غدیر خم ۱۳۰۰ نفر از ما را جمع کرد و این را فرمود. اما وقتی معاویه بن ابی سفیان این حدیث را شنید، به مغیره بن شعبه تکیه داده و بلند شد، در حالی که می‌گفت: «به

۱. فرات بن ابراهیم کوفی، *تفسیر فرات الکوفی*، ص ۱۱، تحقیق محمدالکاظم، وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، چاپ اول، تهران: ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.

۲. همان، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۳. همان، ص ۴۷۴-۴۷۵.

۴. *تفسیر فرات کوفی* از آثار مهم دوره غیبت صغراست که تفسیر روایی به حساب می‌آید ولی خیلی از

روایات آن ناظر به بطن آیه است نه تفسیر آن.

ولایت علی اقرار نمی‌کنیم و در این مسأله محمد را تصدیق نمی‌نماییم». در آن هنگام خداوند متعال این آیات را به پیامبرش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل فرمود: «تصدیق نکرد و نماز نگذارد و لکن تکذیب کرد و روی گرداند. سپس خرامان (و متکبران) به سوی خانواده‌اش رفت و برای تو اولی است و اولی».^۱

حدیث غدیر در روایتی دیگر درباره همین آیات از اسحاق بن محمد بن قاسم بن صالح بن خالد هاشمی از ابوبکر رازی محمد بن یوسف از محمد بن عیسی دامغانی از سلمة بن فضل از ابی مریم از یونس بن حسان از عطیه از حذیفه بن یمان نیز نقل شده است. بر اساس این گزارش، بعد از ایراد حدیث غدیر مردی از جانب مسجد پرسید: «ای رسول خدا، تاویل این چیست؟» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «یعنی هر کس من پیامبرش بودم، علی امیر اوست».^۲

۲. آیه ۶۷ از سوره مائده

فرات کوفی در ذیل این آیه از حسین بن حکم از سعید بن عثمان از ابی مریم از عبدالله بن عطا نقل می‌کند که نزد ابوجعفر عَلَيْهِ السَّلَام نشسته بودم. پسر عبدالله بن سلام را دیدم که در گوشه‌ای نشسته بود. به ابوجعفر عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: «برخی گمان می‌کنند که پدر این شخص دانشی از کتاب را بلد است». امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «نه، آن [که دانشی از کتاب را بلد است] علی بن ابی طالب امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام است.» خداوند به رسول خود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی کرد که به مردم بگو: "هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست". پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شرّ مردم ترسید و این پیام را ابلاغ نکرد. خداوند دوباره وحی کرد: "ای رسول، آن چه را که از پروردگارت به تو نازل شده، برسان. اگر انجام ندهی، پس رسالت او را تبلیغ نکرده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ

۱. فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ: سوره قیامة، آیه ۳۱-۳۴.

۲. فرات بن ابراهیم کوفی، همان، ص ۵۱۵-۵۱۷.

می‌کند.^۱ آن وقت دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفتند و فرمودند: "هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست."^۲

نویسندگان قرن چهارم

الف) محمد بن سلیمان کوفی

محمد بن سلیمان کوفی از علمای زیدیه و نویسنده کتاب *مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام* است. ابن ابی الرجال او را به عنوان علامه و سید علما، فاضل، محدث، جامع کلمات ربانی و حافظ اسلام معرفی می‌کند.^۳ در مورد زندگانی او اطلاع چندانی در دست نیست، ولی با توجه به مشایخ و راویانش، سال وفات او حدود ۳۰۰ قمری تخمین زده می‌شود. محمد بن سلیمان کوفی از عراق به یمن مهاجرت نموده و در خدمت هادی الی الحق و فرزندش ناصر، مقام قضاوت را بر عهده گرفته است. او از شاگردان محمد بن منصور مرادی، از علمای بنام زیدی عراق نیز بوده است.^۴

محمد بن سلیمان کوفی در کتاب *مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام* در باب‌های "آیه

۱. یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس: سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. فرات بن ابراهیم کوفی، همان، ص ۱۳۰.

۳. شهاب الدین احمد بن صالح، *مطلع البدور و مجمع البحور*، تحقیق عبدالرقیب مطهر محمد حجر، ج ۴، ص ۳۱۳، مرکز اهل البيت علیهم السلام للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، صعهده: ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م.

۴. محمد بن سلیمان کوفی، *مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام*، ج ۱، ص ۱۰-۱۴، تحقیق محمد باقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، چاپ اول، قم: ۱۴۱۲ قمری.

۵. کتاب *مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام* از محمد بن سلیمان کوفی درباره فضایل امیرمؤمنان علی علیه السلام به تحریر درآمده است. البته اوایل کتاب به فضایل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مربوط می‌شود. این کتاب ابواب مختلفی را شامل می‌گردد، از جمله علامات نبوت، حسن خلق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، آیه‌های مودت، اکمال دین، نجوا، تطهیر، اهل ذکر، اطعام، سابقون، ولایت، احادیث غدیر، منزلت، یوم الدار، مؤاخات و....

اليوم اكملت لكم دينكم"، "بيعة الغدير برواية ابى سعيد الخدرى"، "قوله يوم الغدير: الحمد لله على اكمال الدين..."، "حديث الغدير برواية البراء وسعد"، "حديث الخلافة برواية حذيفه و عمران..."، "باب من كنت مولاه فعلى مولاه"، "عمر: هذا مولى و مولى كل مؤمن"، "من اتبع ولاية على احبه الله"، "خروج رسول الله حاملا الحسين و قوله..."، "قصة بريدة ايضا..."، "حديث الوصاية برواية سلمان"، "باب ذكر رد الشمس" و غيره از غدير سخن به میان آورده است.

در یکی از این موارد، از احمد بن حازم غفاری و محمد بن منصور مرادی و خضر بن ابان از یحیی بن عبدالحمید حمافی از قیس از ابوهارون عبدی از ابوسعید خدری نقل می شود که رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم که روز پنجشنبه بود، این حدیث را ایراد فرمودند. سپس حسان بن ثابت انصاری از پیامبر اجازه گرفت و در این مورد شعر سرود.^۱

در روایت ۹۲۱ کتاب از ابواحمد از ابونعیم از فطر از شخص دیگری از ابی الطفیل نقل می شود که حضرت علی عليه السلام در رحبه، مردم را جمع کرد و فرمود: «همه شما را به خداوند قسم می دهم که هر کس در روز غدیر خم سخن رسول خدا ﷺ را شنیده بلند شود و گواهی بدهد.» خیلی از مردم بلند شدند و گواهی دادند. ابوالطفیل می گوید من از آن جا خارج شدم ولی نسبت به قضیه هنوز شبهه داشتم. با زید بن ارقم ملاقات کردم و جریان را برای او تعریف نمودم. زید آن را انکار نکرد و گفت: «من هم از رسول خدا ﷺ چنین شنیدم».^۲

ب) مرتضی لدین الله محمد بن الهادی

مرتضی لدین الله محمد فرزند هادی الی الحق است که از امامان زیدی به شمار

۱. محمد بن سلیمان کوفی، همان، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۳۷.

می‌رود. او در سال ۲۷۸ قمری چشم به جهان گشود و تحت تربیت پدرش هادی‌الی‌الحق، مؤسس دولت زیدیه در یمن پرورش یافت و از او و عموهایش، علم و معرفت یاد گرفت. بعد از وفات پدرش، زیدیان یمن با او بیعت کردند.

محمد بن یحیی علاوه بر مجاهدت‌های سیاسی و نظامی، آثار متعدد علمی نیز نگاشته که کتاب‌های *تفسیر القرآن، الاصول، الايضاح، النبوة، التوبة، فضائل امیر المؤمنین علیه السلام الرد علی القرامطة* و غیره از آن جمله‌اند. مرتضی‌الدین‌الله در سال ۳۱۰ قمری در ۳۲ سالگی رحلت کرد.^۱ او در کتاب *الاصول*، بخشی را به نام "فضیلت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام" نوشته و حدیث غدیر را ذکر کرده است.^۲

ج) ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده کوفی

احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمان بن ابراهیم بن زیاد بن عبدالله بن عجلان معروف به ابن عقده کوفی، از محدثان نام‌دار زیدی است که در سال ۲۴۹ قمری در شهر کوفه به دنیا آمد. عقده لقب پدر او بود که در علم ادبیات عربی و قرآن شهرت داشت. ابن عقده از حافظه قوی برخوردار بود و در زمان خود کسی حافظ‌تر از او نبود. گفته‌اند که او حافظ سیصد هزار حدیث از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام بود. رجال و تراجم‌نویسان شیعه و سنی عمدتاً ابن عقده را ستوده و به علم و امانت‌داری او در حفظ روایات اذعان کرده‌اند. ابن عقده در حیات خود آثار زیادی نگاشته که متأسفانه به دست ما نرسیده و مفقود شده‌اند. کتاب‌های *التاریخ، الرجال، فضل الکوفه، الطائر، الشوری، الآداب، صلح الحسن علیه السلام و معاویة، الغیبة، الدلائل، تفسیر القرآن* و ... از این قبیل است. ابن عقده در سال ۳۳۲ یا ۳۳۳ قمری از دنیا رفت.^۳

۱. محمد بن یحیی، مرتضی‌الدین‌الله، کتاب *الاصول*، ص ۱۲-۲۳، تحقیق عبدالله بن حمود عززی، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافية، چاپ اول، امان: ۱۴۲۱/ق ۲۰۰۱م.

۲. همان، ص ۳۸-۳۹.

۳. ابن عقده، کتاب *الولایة*، ص ۹-۶۷، تحقیق عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، قم: دلیل، چاپ اول،

به نوشته رجال نویسان، ابن عقده کتابی در مورد طرق حدیث غدیر داشته است. برخی نام آن را کتاب *الولایة*، برخی کتاب *الموالاة*، برخی *حدیث الولایة* و برخی *الولایة ومن روی غدیر خم* ذکر کرده‌اند.^۱ این کتاب نیز همانند بقیه آثار ابن عقده مفقود شده، ولی اخیراً گزارش‌هایی از آن از لابه لای کتب دیگر استخراج و تا حدی بازسازی شده است.

سیدبن طاووس در کتاب *الطرائف*، اسامی صحابه‌ای را آورده که ابن عقده حدیث غدیر را از آنان نقل کرده، است. این فهرست ۹۸ صحابی را شامل می‌شود که ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام، طلحه، زبیر، عبدالرحمان بن عوف، سعدبن ابی وقاص، عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس، عمار، ابوذر، سلمان، حذیفه بن الیمان، ابوهریره، زیدبن ارقم، حسان بن ثابت، فاطمه زهرا علیها السلام، عایشه، ام سلمه و غیره از جمله آنهاست. ابن عقده سپس از ۲۸ صحابه نیز آن را نقل می‌کند ولی نام صحابه را نمی‌آورد.^۲

در یکی از طرق حدیث غدیر که از ابوسعید خدری نقل شده، چنین آمده است:

احمدبن یحیی بن زکریا از علی بن قادم از اسرائیل از عبدالله بن شریک از سهم بن حصین اسدی روایت کرده است که همراه با عبدالله بن علقمه به مکه آمدم و به او گفتم: «آیا مایلی با ابوسعید خدری صحبت کنیم؟» گفت: «بله» ما نزد او آمدیم و گفتیم: «آیا برای علی بن ابی طالب علیه السلام منقبتی شنیده‌ای؟» گفت: «بله، وقتی به تو گفتم، [برو درست بودن آن را] از مهاجران، انصار و قریش بی‌پرس. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم مطالبی ایراد فرمود و بعد از آن که سه بار برای اولویت خود اقرار گرفتند، فرمود: «هر که من مولایش بودم،

۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش.

۱. همان، ص ۱۳۸-۱۴۹.

۲. علی بن موسی سیدبن طاووس، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ص ۱۴۰-۱۴۲، چاپ اول، قم:

بی نا، بی تا.

علی مولای اوست»^۱.

د) احمد بن موسی طبری

بنابر احتمال قوی، احمد بن موسی طبری مکنی به ابوالحسین، در سال ۲۶۸ قمری به دنیا آمده و در سال ۳۴۰ قمری وفات یافته است. ابن ابی الرجال او را به عنوان علامه شیعه، فقیه ربانی، مجاهد و حافظ سنن معرفی می‌کند. او در جوانی از طبرستان ایران به یمن هجرت کرد و در رکاب هادی الی الحق به جهاد و مبارزه با دشمنان او پرداخت. احمد بن موسی طبری در حیات خود مناظراتی با مخالفان داشته است.^۲ تنها دو اثر منتسب به او به ما رسیده که در هر دو از واقعه غدیر یاد کرده است. آن دو اثر عبارتند از: *مجالس الطبری و المنیر*. وی در کتاب *مجالس الطبری*^۳ در بخش "مجلس درباره کسی که آیه‌ای از کتاب خدا را انکار کند" که شامل گفت‌گو با ابومیمون بن سله و محمد بن ابی‌کثیر است، می‌نویسد:

به محمد بن ابی‌کثیر گفتم: «ای ابوعبدالله، آیا هر کس حدیثی از احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را که همه در آن اجماع کردند، انکار نماید مانند کسی نیست که همه آورده‌های رسول خدا را انکار کرده؟» گفت: «چنین است». گفتم: «پس درباره روز غدیر و کلام پیامبر در آن به همه حضار رأیت چیست؟ همان که فرمود: "هر که من مولایش بودم، علی مولای اوست. خداوند، دوستداران او را

۱. ابن عقده، ص ۲۱۵-۲۱۶.

۲. احمد بن موسی طبری، *مجالس الطبری*، ص ۱۲-۱۹، تحقیق عبدالله بن حمود العزی، (مقدمه تحقیق)، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، چاپ اول، امان: ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.

۳. کتاب *مجالس الطبری*، مناظرات و پرسش و پاسخ‌هایی است که میان احمد بن موسی طبری و برخی دانش‌مندان مخالف صورت گرفته است. این کتاب صحبت‌هایی را در موضوعات هدایت و ضلالت، قرائت برخی آیات، جبر و اختیار، فرق بین موحد و ملحد، علم امام، امام علی علیه السلام و ابوبکر، شفاعت، قضا و قدر، خلق قرآن، عذاب قبر و غیره را شامل می‌شود.

دوست و دشمنانش را دشمن بدار؛ خوارکنندگان را خوار کن و یاری کنندگان را یاری رسان." سپس فرمود: "شاهدان به غایبان برسانند."

گفت: «ای ابوالحسین، آنان گفتند: روز غدیر به خاطر زید بن حارثه بود!»^۱
حدیث غدیر در بخش "مجلسی درباره امامت" نیز آمده که گفتگوی نویسنده با یکی از بزرگان شهر صنعا را شامل می‌شود.^۲

کتاب المنیر اثری دیگر او در معارف اسلامی، طبق مذهب و مبانی هادی‌الی‌الحق یحیی بن حسین به رشته تحریر درآمده است.^۳

به گزارش نویسنده کتاب، رسول خدا ﷺ در پی نزول آیه تبلیغ^۴ در ماه ذی‌الحجه هنگام بازگشت از حجة الوداع حدیث غدیر را ایراد فرمود. نویسنده معتقد است که جمله «آیا من نسبت به شما از خودتان اولی نیستم؟» دلالت می‌کند که پیامبر ﷺ همان ولایت را اراده نموده که خداوند در آیه «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی است»^۵ قصد کرده است. خداوند به پیامبر ﷺ دستور داد تا به مردم اعلام

۱. احمد بن موسی طبری، مجالس الطبری، ص ۷۲-۷۳. اشاره است به مشاجره لفظی زید بن حارثه که به حضرت علی علیه السلام گفت: «تو مولای من نیستی، مولای من فقط رسول خداست.» حدیث غدیر ایراد شد تا برساند که علی نیز مولای اوست: سید مرتضی، علی بن حسین، الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم: ۱۴۱۰ ق.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. این کتاب اگرچه شامل مباحث قرآنی، حدیثی و تاریخی نیز می‌باشد، به علت پیرنگ‌تر بودن مباحث کلامی، می‌توان آن را اثری کلامی به حساب آورد. اقسام هدایت و عبادت، حجت‌ها بر خلق، اراده، تفسیر تسبیح و سجود جمادات، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن، تفسیر برخی واژه‌های قرآنی، صفات خداوند، افضلیت و ولایت علی علیه السلام، فضایل زید بن علی علیه السلام و... از مباحث این کتاب است.

۴. یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس: سوره مائده، آیه ۶۷.

۵. النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم: سوره احزاب، آیه ۶.

فرماید، آن ولایتی که بر مردم داشته به جانشینش علی علیه السلام واگذار می شود تا آن چه را که برای او قائل بودند، برای جانشین آن حضرت نیز قائل شوند، با او امرش مخالفت نکنند، حکمش را زیر پا نگذارند، بر او پیشی نگیرند و در امر و نهیش با او مخالفت نمایند.^۱

احمد بن موسی طبری در بخش بعدی با عنوان "نادرست بودن رأی آن که می گوید حدیث ولایت به خاطر زید بن حارثه بود"، این قول را مردود دانسته و همراه چند دلیل یاد آور می شود که به اجماع مردم، زید بن حارثه سه سال قبل از حادثه غدیر در شام در موته کشته شده بود.^۲ در آخر بخش آمده است که خوارج، حدیث «هر که من مولایش بودم، علی مولای اوست» را انکار می کنند و می گویند که ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، معاویه و ذوالثدیه نسبت به مقام پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام شایسته تر بودند.^۳

نویسنده در بخش "جانشینی و منقطع نبودن حجت های خدا" بر جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام تأکید نموده، برای اثبات این مسأله، علاوه بر دلایل دیگر، به حدیث غدیر نیز تمسک می جوید.^۴

ه) قاسم بن علی عیانی

منصور بالله قاسم بن علی عیانی از نوادگان قاسم بن ابراهیم رسی و از ائمه زیدیه یمن در قرن چهارم است. او در سال ۳۱۰ قمری در خثعم در شمال یمن متولد شد.

۱. احمد بن موسی طبری، المنیر علی مذهب الامام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین، ص ۱۸۴-۱۸۶، تحقیق علی سراج الدین عدلان، مرکز اهل البیت للدراسات الاسلامیة، چاپ اول، صعده: ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م.

۲. همان، ص ۱۸۶-۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۹۰.

۴. همان، ص ۳۶-۳۷.

قاسم بن علی بعدها دعوت مصرانه یمنی ها را پذیرفت و به آن جا رفته، امامت آن دیار را بر عهده گرفت.

قاسم آثار متعددی نوشته که اجوبة المسائل، الادلة من القرآن علی توحید الله تعالی، التثبیت و الدلالة، الرد علی الرافضة و ذم الاهواء از جمله آنهاست. او در سال ۳۹۳ قمری در ۸۳ سالگی از دنیا رفت.^۱

او در رساله *الی حمیر به غدیر* پرداخته است. از حمیر نامه هایی به او رسید. او نیز به آنان نامه نوشت و نامه دیگری را به آن پیوست نمود. در نامه دوم، مطالبی درباره فضایل امام علی علیه السلام از جمله حدیث غدیر نیز ذکر شده است.^۲ وی در کتاب دوم به نام *ذم الاهواء والوهوم*^۳ نیز ضمن نقل خطبه ای از امام حسن علیه السلام حدیث غدیر را آورده است.^۴

نویسندگان قرن پنجم

الف) مهدی لدین الله حسین بن قاسم عیانی

وی یکی از ائمه زیدیه است که در سال ۳۷۶ قمری متولد شد. او بعد از مرگ پدرش منصور بالله قاسم عیانی در سال ۳۹۳ قمری در هفده سالگی امامت زیدیان یمن را بر عهده گرفت. او در مدت امامت خود، جنگ هایی با مخالفان داشت که در یکی از آنها در سال ۴۰۴ قمری در ۲۸ سالگی در منطقه ذی عرار کشته شد. قبرش در ریده و مکان زیارت زائران است. درباره شهرت و مقامش این بس که فرقه ای به نام

۱. قاسم بن علی عیانی، *مجموع کتب و رسائل الامام القاسم العیانی*، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، مکتبة التراث الاسلامی، چاپ اول، صعه: ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م، ص ۷-۴۶ (مقدمه تحقیق).

۲. همان، ص ۳۴۸.

۳. *ذم الاهواء والوهوم* رساله ای است که آن را درباره حوادث بعد از رحلت پیامبر و اختلافات بین امام حسن علیه السلام و معاویه نوشته است. این رساله خطبه ای از خطبه های آن امام را شامل می شود.

۴. عیانی، ص ۴۱۸-۴۱۹.

او (حسینیه) به وجود آمد که بعدها منقرض شد.^۱

وی در کتاب *شواهد الصنع* در پاسخ به منکران امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث غدیر را ذکر کرده است.^۲

ب) احمد بن حسین هارونی

مؤید بالله احمد بن حسین هارونی از سادات حسنی و از امامان فرقه زیدیه است که در سال ۳۳۳ قمری در آمل طبرستان چشم به جهان گشود. ابوالعباس احمد بن ابراهیم، ابوالحسین علی بن اسماعیل، شیخ معتزله ابو عبدالله بصری و شیخ معتزله قاضی القضاة عبدالجبار از استادان او، و موفق بالله حسین بن اسماعیل، ابوالحسین احمد بن ابی هاشم، شریف ابوجعفر زیدی از شاگردان او به شمار می آیند. احمد صاحب آثار علمی زیادی از جمله کتاب های *النبوات، التجرید، الافاده فی الفقه، الزيادات، اعجاز القرآن، التبصرة، الامالی الصغری* و غیره است.^۳

او نخستین بار در سال ۳۸۰ قمری مبارزه سیاسی خود را آغاز کرد و بعد از سال ها، مردم گیلان و دیلم با او بیعت نمودند. او در سال ۴۱۱ قمری در ۷۸ سالگی از دنیا رفت.^۴

۱. حسین بن قاسم عیانی مهدی لدین الله، *مجموع کتب و رسائل الامام المهدی لدین الله حسین بن قاسم عیانی*، تحقیق ابراهیم یحیی درسی حمزی، مرکز اهل البيت علیهم السلام للدراسات الاسلامیة، چاپ اول، صعدہ: ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۴م ص ۱۱-۱۳ (مقدمه تحقیق). برای اطلاع بیشتر از فرقه حسینیه نک: سید علی موسوی نژاد، "مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه"، *مجله هفت آسمان*، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۴.

۲. مهدی لدین الله، همان، ص ۱۴۸.

۳. برای اطلاع بیشتر از آثار احمد بن حسین هارونی نک: موسوی نژاد، *تراث الزیدیه*، ص ۸۸-۸۹.

۴. احمد بن حسین هارونی، *التبصرة فی التوحید والعدل*، ص ۵-۲۳، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، صعدہ: ۱۴۲۳ق- ۲۰۰۲م، (مقدمه تحقیق). مؤید بالله هارونی ابتدا

احمد در کتاب *التبصرة في التوحيد والعدل*^۱ در آغاز باب امامت، سؤال "بعد از رسول خدا امام کیست؟" را مطرح کرده و پاسخ می‌دهد که بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام بعد از او حسن عَلَيْهِ السَّلَام و بعد از او حسین عَلَيْهِ السَّلَام امام هستند. او سپس ادله امامت امیرمؤمنان را ارائه کرده و به عنوان نخستین دلیل به حدیث غدیر تمسک جسته است.^۲

احمد در کتاب *امالی الصغری*^۳ در حدیث یازدهم با عنوان "حدیث در غدیر خم"، از ابونصر رویانی از خزری از عبدالغنی از یغتم از عبدالله بن حسن بن حسن بن علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر خم، حدیث غدیر را ایراد فرمودند. سپس مردم نزد حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام آمدند و به او تبریک گفتند.^۴

نویسنده در حدیث هیجدهم، به تفسیر این حدیث پرداخته، از ناصر للحق از محمد بن منصور از علی بن حسن بن علی حسینی از ابراهیم بن رجاء شیبانی نقل

از پیروان مکتب امامیه بود ولی به علت دیدن برخی معارضات و اختلافات در روایات امامیه، آن فرقه را ترک کرد و به زیدیه گروید. عظمت علمی و اجتماعی او چنان بود که شیخ طوسی، از بزرگان امامیه معاصر او، کتاب *تهذیب الاحکام* را برای حل اختلاف‌های روایی نگاشت و در مقدمه آن جریان زیدی شدن احمد بن حسین هارونی علوی را آورد: محمد بن حسن طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۱، ص ۲-۳، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۴ ش.

۱. این کتاب در موضوعات توحید و صفات خدا، نبوت، اعجاز قرآن، وعد و وعید، شفاعت، امامت علی عَلَيْهِ السَّلَام، حسن عَلَيْهِ السَّلَام و حسین عَلَيْهِ السَّلَام، امامت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، شروط و طریق امامت، امر به معروف و نهی از منکر و غیره نوشته شده است.

۲. احمد بن حسین هارونی، *التبصرة في التوحيد والعدل*، ص ۷۳-۷۶.

۳. این کتاب حاوی ۲۶ حدیث در موضوعات معجزات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دعای آدم عَلَيْهِ السَّلَام، فضیلت سوره اخلاص، فضایل اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، کلمه توحید، اطاعت از والدین، غدیر خم، وضو و دعاها، آن، حدیث منزلت، حقایق ایمان، جهل نعمت و غیره نوشته شده است.

۴. احمد بن حسین هارونی، *الأمالی الصغری*، ص ۹۰، تحقیق عبدالسلام عباس الوجیه، دارالتراث الاسلامی، چاپ اول، صعده: ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.

می‌کند که به جعفر بن محمد علیه السلام گفتند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با سخنان خود درباره علی علیه السلام در روز غدیر که فرمود «هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست. خدایا دوست داران او را دوست و دشمنان او را دشمن بدار»، چه چیزی را اراده کرده است؟

جعفر بن محمد علیه السلام فرمودند:

قسم بر خدا، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن پرسیدند فرمود: "خداوند مولای من است، نسبت به من از خودم اولاست. با وجود او امری برای من وجود ندارد. من مولای مؤمنان هستم، نسبت به آنان از خودشان اولا هستم. با وجود من امری برای آنان وجود ندارد و هر کس من مولایش بودم، نسبت به او از خودش اولا بودم و با وجود من امری برای او وجود نداشت، علی مولای اوست، نسبت به او از خودش اولاست و با وجود علی، امری برای او وجود ندارد."^۱

در حدیث بیست و پنجم همین کتاب، مناشده حضرت علی علیه السلام در روز شورا ذکر شده است؛ مناشده‌ای که علی علیه السلام در قسمتی از آن می‌فرماید:

شما را به خدا و حق پیامبران قسم می‌دهم، آیا در میان شما کسی غیر از من هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم او را به رهبری مردم نصب کند و بگوید: «هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست. خدایا دوست داران او را دوست و دشمنان او را دشمن بدار»؟ گفتند: نه.^۲

احمد بن حسین هارونی هم چنین در رساله دعوت خود به تمام مسلمانان، ابتدا پاره‌ای از فضایل اهل بیت علیهم السلام را یادآور شده و بعد حدیث غدیر را ذکر کرده است.^۳

۱. همان، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. حمید الشهید بن احمد بن محمد محلی، *الحدائق الوردية فی مناقب ائمة الزيدية*، ج ۲، ص ۱۵۸، تحقیق مرتضی بن زید المخطوری الحسینی، مکتبه بدر، چاپ اول، ص ۱۴۲۳/ق ۲۰۰۲ م.

ج) ابوطالب یحیی بن حسین هارونی

ناطق بالحق ابوطالب یحیی بن حسین برادر مؤید بالله هارونی و خود یکی از امامان زیدیه است. او در سال ۳۴۰ قمری در آمل در خاندان علم و تقوا به دنیا آمد. پدرش حسین بن هارون و هم‌چنین ابوالعباس حسنی احمد بن ابراهیم، هادی صغیر یحیی بن محمد، علی بن اسماعیل، احمد بن محمد بغدادی و ابوالحسین بصری از استادان او به شمار می‌روند. بعد از مرگ برادرش مؤید بالله در سال ۴۱۱ قمری، مردم گیلان و دیلم با او بیعت نمودند و به عنوان «ناطق بالحق» ملقب کردند.^۱

ابوطالب یحیی بن حسین در باب سوم کتاب *تیسیر المطالب* که درباره فضایل امیرمؤمنان است،^۲ از قاضی ابوعبدالله حسین بن هارون ضبی از ابوالعباس بن احمد بن محمد بن عقده کوفی از احمد بن محمد بن ابراهیم مروزی از محمد بن حمید از سلمة بن فضل و هارون بن مغیره از جراح کندی از ابن اسحاق از عبد خیر نقل کرده است که حضرت علی علیه السلام در رجب با مردم مناشده کرد و فرمود:

به خدا قسم می‌دهم چه کسی سخن پیامبر را شنید که فرمود: «هر که من

۱. ابوطالب یحیی بن حسین بعد از سیزده سال امامت در سال ۴۲۴ قمری در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت. کتاب‌های *امالی*، *المجزی فی اصول الفقه*، *جامع الادله*، *التحریر و شرحه* (در دوازده جلد)، *مبادی الادله فی اصول الدین*، *تیسیر المطالب فی امالی الامام ابی طالب*، *الزیدیه یا الدعامة*، *الافادة فی تاریخ الائمة السادة* و غیره از تألیفات اوست: ابوطالب، یحیی بن حسین، *تیسیر المطالب فی امالی الامام ابی طالب*، ص ۷-۱۰، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، بیروت ۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م، (مقدمه تحقیق).

۲. این کتاب شامل امالی امام ابوطالب یحیی بن حسین است که در موضوعات مختلفی از جمله فضایل رسول خدا صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، زید بن علی علیه السلام، قرآن، مساجد و غیره، وصیت‌ها، مقتل و قبر امام علی علیه السلام، مباحث دعا، استغفار، وضو، نماز، روزه، زکات، صدقه، حج، جهاد، حسن خلق، مکارم الاخلاق، ظلم، زهد، مرگ، شفاعت و... نوشته شده است.

مولایش بودم، علی مولای اوست. خدایا دوست داران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار؟^۱

دوازده نفر از اهل بدر که زید بن ارقم نیز در میان آنها بود، بلند شدند و گواهی دادند که این سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شنیدند که فرمود: "این مقام مخصوص علی است."^۱

کتاب الزیدیه یا الدعامة، اثری از ابوطالب یحیی بن حسین است که به اشتباه به نام صاحب بن عباد به چاپ رسیده است.^۲ نویسنده در این کتاب، مستقیماً حادثه غدیر را ذکر نکرده، ولی اشکالات مختلف مخالفان در مورد حدیث غدیر را مطرح کرده و به آنها پاسخ داده است. شاید این کتاب، تنها کتابی باشد که زیدیان با این تفصیل به شبهات در مورد غدیر پرداخته‌اند. ما اشکالات مطرح شده و پاسخ‌های نویسنده را به علت تکراری و یا حاشیه‌ای بودن بعضی قسمت‌ها با کمی اختصار ذکر می‌کنیم:

اشکال: با توجه به حدیث "هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست"، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن جهت مولا بود که نسبت به امر، نهی و وجوب اطاعت شایسته‌تر

۱. یحیی بن حسین ابوطالب، تیسیر المطالب فی امالی الامام ابی طالب، ص ۴۸.

۲. نک: موسوی نژاد، تراث الزیدیه، ص ۹۲؛ عبدالسلام ابن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۱۱۲۲، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، چاپ اول، امان: ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م. این کتاب در موضوعات ادله امامت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام پاسخ به پاره‌ای اشکالات در این مورد، پاسخ به شبهه کسانی که به امامت ابوبکر قائل هستند، پاسخ به خوارج، باطل بودن امامت مفضول با وجود افضل، افضل الصحابه بودن علی عَلَيْهِ السَّلَام و بعد از او حسن عَلَيْهِ السَّلَام و حسین عَلَيْهِ السَّلَام، امامت آن دو و اولادشان، اصول امامت در زیدیه، نیاز مردم به امام، عدم وجوب معصوم بودن امام، باطل بودن رأی کسانی که قائلند امامت فقط با نص جلی ثابت می‌شود، معرفت امام و... نوشته شده است. این کتاب به صورت ایراد و پاسخ به تحریر درآمده و هر ایراد به طور مختصر ولی با دلایل محکم پاسخ داده شده است.

بودند؛ ولی علی علیه السلام از جهت دوستی دینی و محبت مولا هستند. همان طور که طبق آیه "بعضی از مؤمنان اولیای بعضی دیگرند" ^۱ برخی از مؤمنان نیز شایسته این هستند. بنابراین، حدیث مذکور بر امامت دلالت نمی‌کند، بلکه همانند حدیث "هر کس مرا دوست دارد، انصار را دوست بدارد" ^۲ است.

پاسخ: ما قبول نداریم علی علیه السلام دقیقاً مثل پیامبر صلی الله علیه و آله اولا باشد. بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله دارای مقام نبوت بودند ولی علی علیه السلام دارای مقام خلافت. ما می‌گوییم علی علیه السلام همانند پیامبر صلی الله علیه و آله شایسته تصرف در امر است و این نیز به دو دلیل است:

۱. ظاهر کلام و مقدمه چینی پیامبر صلی الله علیه و آله: رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردم پرسیدند: «آیا من نسبت به شما از خودتان اولا نیستم؟» گفتند: «بله، اولا هستید.» بعد به دنبال این اقرار فرمودند که هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست. «بنابراین، مولویت علی علیه السلام به همان معنای اولویت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۲. اگر این مقدمه را هم ذکر نمی‌کرد، باز هم باید به همه احتمالات حمل کنیم مگر این که دلیلی تخصیصش بزند.

در اشکال آمده که کلمه را به موالات در دین حمل کنیم. آری، تا زمانی که مانعی وجود نداشته باشد، می‌توان آن معنا را نیز در نظر گرفت. اما تشبیه این حدیث به حدیث «هر که مرا دوست دارد، انصار را دوست بدارد»، درست نیست. چون در این حدیث معنایی بیشتر از محبت انصار وجود ندارد و لفظی گفته نشده که به اولا و ولایت دلالت کند.

اشکال: خداوند هر مؤمنی را به این صفت موصوف کرده و فرموده: «به درستی خداوند، جبرئیل و مؤمنان صالح مولای اوست» ^۳. در حالی که بی‌شک این جا معنای

۱. والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض: سوره توبه، آیه ۷۱.

۲. «من احبنی فالیحب الانصار».

۳. فإن الله هو مولاة و جبریل و صالح المؤمنین: سوره تحریم، آیه ۴.

امامت و اولویت وجود ندارد.

پاسخ: اجماع مسلمانان، دلیل بر آن است که خداوند اولاً بودن همه مؤمنان بر امورات را اراده نکرده است.

اشکال: ممکن است این جا (در حدیث غدیر) منظور آن باشد که امام علی علیه السلام ناصر مسلمانان هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاری کرده و این خود، مقام بزرگی است. پاسخ: گفتیم تا آن جا که مانعی وجود نداشته باشد، کلمه را به همه احتمالات حمل می‌کنیم. حمل آن به این معنا نیز بدون مانع است.

اشکال: رسول خدا صلی الله علیه و آله این کلام را به خاطر زید بن حارثه گفته است. چون زید به علی علیه السلام عرض کرد: «من مولای تو نیستم. من فقط مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم». پیامبر صلی الله علیه و آله این حدیث را فرمود تا برساند که مولای او نیز هستی.

پاسخ: گذشتگان ما به این اشکال پاسخ‌هایی داده‌اند. اولاً زید قبل از تاریخ این حدیث مرده بود. او در جنگ موته شهید شد، ولی این حدیث هنگام برگشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع ایراد شد. ثانیاً زید بن حارثه خوب می‌دانست که مولای یک شخص، مولای پسرعموی او نیز است. ثالثاً اگر این طور بود، امیرمؤمنان علیه السلام این حدیث را برای فضایل، افضلیت و امامت خود بیان نمی‌فرمودند و معنایی نداشت که عمر بگوید: «تو مولای من و مولای همه مؤمنان شدی». علاوه بر این، اگر مانعی اقامه نشود، این را هم می‌توان به عنوان یکی از منظورها در نظر گرفت و حتمی نیست که اخبار را در یک معنا منحصر کنیم.

اشکال: آیا حمل خبر به ظاهر آن، موجب نمی‌شود که بگوییم علی علیه السلام همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حال حیات او امام بودند؟ در حالی که باطل بودن این موضوع واضح است؟

پاسخ: معنای حدیث آن است که علی علیه السلام در حال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه و جانشین ایشان و پس از آن حضرت، امام امت هستند. این مسأله به ولی عهد تعیین

کردن پادشاهان می ماند. وقتی پادشاهی ولی عهد تعیین می کند، می خواهد بگوید که او سزاوار پادشاهی بعد از من است یا به عبارت دیگر: او الآن مستحق است که بعد از وفات من پادشاه شود. تعیین عمر به خلافت از سوی ابوبکر نیز به این معناست.^۱

د) اسماعیل بن احمد بستی

قاضی ابوالقاسم اسماعیل بن احمد بستی از دانش مندان بزرگ زیدیه است. منابعی که در دسترس هست، اطلاعات چندانی درباره او ارائه نمی دهند. سال تولد او نیز معلوم نیست ولی در حدود سال ۴۲۰ قمری درگذشته است.

بستی در دوران حکومت منوچهر بن قابوس بن وشمگیر از ری به آمل سفر کرد. آن زمان آمل محل درگیری های شیعیان و ناصبیان بود. از این رو بستی، به یاری شیعیان آمد و چون در مجادله و قدرت اقناع همتایی نداشت، توانست موجی از هیجان عمومی را علیه نواصب راه اندازد.

کتاب های متعددی به بستی نسبت داده شده که برخی از آنها عبارتند از: کشف الاسرار الباطنیة، الموجز فی علم الکلام، الأسفار، التفسیر، کتاب البحث عن ادلة التکفیر والتفسیق، کتاب المراتب فی فضائل امیر المؤمنین و کتاب الامام^۲

بستی در فصل آخر کتاب *البحث عن ادلة التکفیر والتفسیق*^۳ اختلافات درباره امامت

۱. اسماعیل صاحب بن عبّاد، (در واقع، یحیی بن حسین ابوطالب)، *الزیدیه*، ص ۴۵-۵۱، تحقیق ناجی حسن، الدار العربیة، چاپ اول، بیروت ۱۹۸۶ م.

۲. اسماعیل بن احمد بستی، *المراتب فی فضائل امیر المؤمنین* علیه السلام، ص ۱۰-۱۴، تحقیق محمدرضا انصاری، دلیل، چاپ اول، قم ۱۴۲۱ ق/ ۱۳۸۰ ش، (مقدمه تحقیق).

۳. این کتاب علل و موجبات کفر و فسق، یکی از مباحث داغ در میان متکلمان آن زمان را بررسی می کند. چستی کفر و فسق، ویژگی ها و دلایل کفر، کفر قائلان به تشبیه، بحث در خروج از توحید، کفر با ظلم کردن، بحث در تفسیق، بحث در این که آیا حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله موجب فسق برخی از اصحاب می شود یا نه و... از مباحث این کتاب است.

را پیش کشیده و معتقد است که پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود نصب کردند ولی انجام دادن وظایف امامت توسط ابوبکر، عمر و عثمان به این جهت که علی علیه السلام به صورت فعال امامت خود را اظهار نمی کرده است، توجیه می شود و موجب کفر و فسق نمی گردد.^۱

وی در کتاب المراتب فی فضائل امیرالمؤمنین و سیدالوصیین علی بن ابی طالب علیه السلام،^۲ ضمن بحث از برخی از فضایل امام علی بیعت غدیر و بیعت عشیره را از فضایل اختصاصی آن حضرت می داند.^۳ به اعتقاد او حدیث غدیر دلیل بر افضلیت امام علی علیه السلام نسبت به دیگران است.^۴ در فصل هفتم کتاب با عنوان "فی الشرف و اسماؤه" آمده که طبق حدیث غدیر، یکی از نام های علی علیه السلام "مولای مؤمنان" است، در حالی که هیچ کس دیگری این اسم را ندارد.^۵

ها) محسن بن محمد چشمی بیهقی

حاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه چشمی بیهقی از دانش مندان زیدیه در قرن پنجم است. او در سال ۴۱۳ قمری در روستای چشم از نواحی بیهق به دنیا آمد و در سال ۴۹۴ قمری در ۸۱ سالگی در مکه کشته شد. علت قتل او را نگارش کتاب رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس می دانند. وی در کلام معتزلی و در فقه، پیرو مذهب حنفی بود، ولی در اواخر عمرش به زیدیه گروید. آثار او به ۴۲ کتاب می رسد که یازده

۱. اسماعیل بن احمد بستی، البحت عن ادلة التکفیر والتفسیق، ص ۱۰۵-۱۰۶، تحقیق ویلفرد مادلونگ و زابینه اشمیتکه، مرکز دانشگاهی، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۲ ش.

۲. این کتاب درباره افضلیت امام علی علیه السلام نسبت به سایر اصحاب، احادیث مختلفی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت او فرموده، اسما و القاب امام علی علیه السلام اسلام آوردن او، سخاوت و شجاعت و اخبار غیبی آن حضرت، ولادت او و... نوشته شده است.

۳. اسماعیل بن احمد بستی، المراتب فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۴۹.

۵. همان، ص ۷۸.

مورد از آنها اکنون موجود است.^۱

ابوسعبد در کتاب رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس^۲ در باب دهم کتاب با عنوان "الکلام فی الامامة و الأمر بالمعروف"، حدیث غدیر را ذکر کرده است.^۳ هم‌چنین در کتاب دیگری به نام تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین^۴ در موارد متعددی به غدیر پرداخته است که به دلیل تکراری بودن خیلی از آنها، فقط به برخی موارد اشاره می‌کنیم.

نویسنده در بخش "حدیث الموالاة والغدیر" بعد از ذکر آیه تبلیغ، حدیث غدیر، تبریک عمر و شعر حسان، می‌نویسد که اهل تفسیر، شبیه آن را ذکر کرده‌اند و (همانند آن) از ابن عباس، براء بن عازب و محمد بن علی نیز روایت شده است.^۵

در ادامه بحث از غدیر، بخش دیگری به نام "تواتر حدیث موالاة و غدیر" قرار دارد. نویسنده در ابتدای این بخش، مدعی است که این حدیث از جمعی از اصحاب پیامبر ﷺ نقل شده و به حد تواتر رسیده است. او در روایان حدیث مذکور از

۱. محسن بن محمد جشمی بیهقی، رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس، ص ۹-۱۴، تحقیق حسین مدرسی، دارالمنتخب العربی، چاپ اول، بیروت ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، (مقدمه تحقیق).

۲. این کتاب در مباحث توحید، تشبیه، عدل، قضا و قدر، اراده، قرآن، نبوت، امامت، جزای اعمال و... نوشته شده است. ابن شهر آشوب و علامه حلی این کتاب را به عنوان رساله ابلیس الی المجبره ذکر کرده‌اند: (همان، ص ۱۴؛ محمد بن علی بن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۲۸، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا).

۳. جشمی بیهقی، رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس، ص ۱۰۸.

۴. نویسنده در مقدمه توضیح می‌دهد که در این کتاب، آیات قرآنی درباره فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام را جمع کرده و آنها را با روایات صحیح شرح داده است. در این کتاب ضمن بحث از آیات مختلف قرآن کریم از جمله تبلیغ، اکمال، شراء، مباحله، وحدت، اطاعت، ولایت، جهاد، انذار عشیره و... روایات زیادی از جمله غدیر، یوم‌الدار، منزلت، ثقلین، مؤاخات، سدالابواب و غیره را با تفصیل توضیح داده است.

۵. محسن بن محمد جشمی بیهقی، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، ص ۱۰۲-۱۰۴، تحقیق ابراهیم یحیی‌الدرسی، مرکز اهل‌البیت، چاپ اول، صعده ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م.

زید بن ارقم، ابوسعید خدری، ابویوب انصاری و جابر بن عبدالله نام برده و نوشته که الفاظ احادیث مختلف است؛ در بعضی نقل‌ها اضافه و یا نقص وجود دارد.^۱

جشمی بیهقی در بخش بعدی کتاب با عنوان "مناشده امیرالمومنین علیه السلام در روز رحبه" از ابی الطفیل نقل می‌کند که قومی از یمن نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمدند و گفتند: «ای مولای ما.» حضرت فرمود: «آیا من برده آزاد شده شما هستم؟!» گفتند: «نه، ما قومی از عرب هستیم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدیم که می‌فرمود: "هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست. خدایا، دوست داران او را دوست و دشمنان او را دشمن بدار." این سخنان امام علی علیه السلام را برانگیخت و او مردم را صدا زد. همه جمع شدند تا آن‌که رحبه پر شد. امام بلند شدند و خدا را حمد و ثنا کردند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستادند. سپس فرمودند: "شما را به خدا قسم می‌دهم هر کس که در روز غدیر خم بوده و [سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] را با گوش‌های خود شنیده و با قلبش درک کرده، بلند شود." دوازده نفر بلند شدند: هشت تن از آنان از انصار، دو تن از قریش و یک نفر از خزاعه بود. یک نفر دیگر را هم نشناختم کیست. سپس علی علیه السلام به آنان فرمود: «از مردم جدا شوید و بگویید که از رسول خدا چه شنیدید». آنان نیز جدا شدند و حادثه و حدیث غدیر را یادآوری کردند.^۲

یکی دیگر از مواردی که در این کتاب به غدیر مربوط می‌شود، بخش "سوره سأل سائل" یا معارج است. در توضیح این آیه آمده که از سفیان بن عیینه پرسیدند: «سأل سائل در مورد چه کسی نازل شده است؟» گفت: «پرسشی از من کردی که قبل از تو کسی آن را نپرسیده است. پدرم از جعفر بن محمد علیه السلام و او نیز از پدرانش نقل می‌کند، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم بودند، مردم را جمع کردند و دست علی علیه السلام را گرفته، فرمودند: "هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست." این خبر در

۱. همان، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۰۶-۱۰۸.

شهرها پیچید و به حارث بن نعمان رسید. او نزد پیامبر ﷺ آمد و در میان اصحابش گفت: «ای محمد، ما را امر کردی تا شهادت لا اله الا الله بدهیم، از تو قبول کردیم. سپس قانع نشدی و بازوی پسر عمویت را بلند کردی و او را از ما برتر نمودی و گفتی "هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست". آیا این از طرف خودت است یا از طرف خدا؟» پیامبر ﷺ فرمود: "قسم بر خدا که معبودی جز او نیست، این از طرف خداست". حارث برگشت و گفت: "خدایا اگر آن چه محمد می گوید، درست باشد، از آسمان بر ما سنگ بباران". خداوند سنگی نازل کرد و او را کشت. در آن زمان بود که آیه "سأل سائل" را فرود آمد.^۱

و) یحیی بن حسین شجری

مرشد بالله یحیی بن حسین شجری جرجانی از سادات حسنی و امامان زیدیه است که در سال ۴۱۲ قمری دیده به جهان گشود. او از علمای زیدیه شمال ایران در قرن پنجم است و دانش مندانی چون مظفر بن عبدالرحیم حمدونی، ابوالعباس احمد بن حسن بن قاسم، اسماعیل بن علی قزاز و علی بن حسین صاحب کتاب *المحیط* از او روایت کرده اند.

یحیی در روز پانزده ربیع الآخر سال ۴۹۹ قمری از دنیا رفت و در خانه خواهرش در ری که به خانگه تبدیل شده بود، دفن گردید.^۲ مطالعات فریبگی
نویسنده در بخش ششم کتاب *الأمالی الخمیسية*^۳ با عنوان "فضایل امیرالمومنین

۱. همان، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۲. یحیی بن حسین شجری جرجانی، *الامالی*، ج ۱، ص ۳، تحقیق محمدحسن محمدحسن اسماعیل، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م، (مقدمه تحقیق).

۳. این کتاب که علامه محیی الدین محمد بن احمد بن علی القرشی (م ۶۴۳ق) آن را مرتب کرده، مجموعه روایات در موضوعات مختلف کلامی، تفسیری، اخلاقی، فقهی و تاریخی است که به صورت مسند ارائه شده است.

علی بن ابی طالب علیه السلام و مباحث مربوط به آن " شش روایت را با طرق مختلف درباره غدیر بیان کرده است. یکی از آنها از ابوالحسن بن محمد از عثمان بن محمد مخزومی از علی بن عبدالرحمان از حسین بن حکم حبری از حسن بن حسین از حیان از کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل شده است.^۱ در روایتی دیگر از قاضی ابوالقاسم تموخی از ابو حفص عمر بن احمد از احمد بن عبدالله از علی بن سعید رقی از قاضی ابوالقاسم از ابوالحسن علی بن عبدالله از ابوالنصر حبشون بن ایوب الحلال از علی بن سعید شامی از ضمیره بن ربیع از ابن شویب از مطر از ابن حوسب از ابوهریره نقل شده که هر کس روز هیجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد برای او ثواب شصت ماه روزه نوشته می شود. آن روز، روز غدیر خم است؛ همان که پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی بن ابی طالب را گرفتند و فرمودند: «آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان اولاً نیستم؟» گفتند: «اولاً هستی، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله». فرمودند: «هر کس من مولایش بودم، علی مولای اوست». سپس عمر گفت: «مبارک باد، مبارک باد، ای پسر ابوطالب، تو مولای من و مولای هر مؤمنی شدی». آن هنگام، خداوند آیه "امروز دینتان را برایتان تکمیل کردم، نعمتم را برای شما تمام نمودم و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پذیرفتم" ^۲ را نازل فرمود.^۳

نتیجه

در این مقاله منابع مکتوب زیدیه در قرن های دوم تا پنجم قمری مورد بررسی گردید. در ۲۷ منبع از آن منابع، مباحثی راجع به غدیر وجود داشت. دوازده منبع، کلامی یا عمدتاً کلامی، سه منبع تفسیری، دو منبع از مناقب نویسی، دو منبع حدیثی، دو منبع تاریخی، یک منبع فقهی و پنج منبع عمومی (هم چون کتاب های دعوت،

۱. شجری جرجانی، همان، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۷۱۴.

۲. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا: سوره مائده، آیه ۳.

۳. شجری جرجانی، همان، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۲، ح ۷۱۶.

امالی در موضوعات گوناگون، نامه به اهل یک منطقه و...) است. بنابراین، می توان گفت که زیدیان بیشتر در منابع کلامی خود به غدیر پرداخته اند.

در میان آثار منسوب به زید بن علی علیه السلام فقط در یک منبع و آن هم به طور کم رنگ به غدیر پرداخته شده است. در مقابل، برخی از نویسندگان از جمله قاسم بن ابراهیم رسی، هادی الی الحق یحیی بن حسین، فرات کوفی، محمد بن سلیمان کوفی، احمد بن موسی طبری، احمد بن حسین هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین هارونی، بستی و جشمی بیهقی در حد گسترده تری به این موضوع پرداخته و آن را با تفصیل بیشتری توضیح داده اند.

گزارش های عمده این منابع از غدیر، رنگ توصیفی دارند. برخی منابع، علاوه بر نقل حادثه و حدیث غدیر، به ابراز نظر خود درباره آن نیز پرداخته اند. در این میان، کتاب *الزیدیه* یا *الدعاه* از ابوطالب یحیی بن حسین هارونی در خور توجه است. نویسنده در این کتاب، خود واقعه را ذکر نکرده ولی اشکالات مختلف مخالفان در مورد آن را مطرح ساخته و پاسخ داده است. او تعدادی اشکال از جمله معنای "مولا"، ربط حدیث به مشاجره لفظی زید بن حارثه و غیره را مطرح ساخته و هر یک را بعد از بیان اشکال پاسخ داده است.

عمده منابع در نزول آیات تبلیغ و اکمال دین در غدیر و ایراد جملات "من کنت مولا فعلی مولا". اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله" از طرف رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن جا بعد از اقرار گرفتن به اولویت خود، مشترک هستند. در یک مورد عبارت "و قاتل او را بکش"، در یک مورد عبارت "و عزت دهنده او را عزیز کن" و در یک مورد عبارت "لعنت خدا باد بر کسی که با علی مخالفت نماید" به این جملات اضافه شده است. برخی منابع تبریک عمر بن خطاب، یا یک شخص ناشناس و یا تبریک عموم مردم و برخی منابع شعر حسان بت ثابت را نیز آورده اند. برخی منابع نزول آیه اول سوره معارج و یک منبع نزول آیات ۳۱-۳۴ سوره

قیامت را به غدیر ربط داده‌اند.

گزارش‌های منابع زیدیه راجع به غدیر به دو صورت مسند و مرسل ارائه شده است. روایات مسند از صحابی‌ان مختلف، از جمله امام علی علیه السلام، زید بن ارقم، براء بن عازب، ابوسعید خدری، ابن عباس و دیگران نقل شده است. ابن عقده در کتاب خود ۹۸ صحابه راوی حدیث غدیر را نام برده و ۲۸ صحابه دیگر را نیز بدون ذکر نام، از راویان آن دانسته است.

در دو مورد از منابع بررسی شده، به تعداد جمعیت در غدیر اشاره شده است. در یکی از آنها این تعداد ۱۳۰۰ نفر^۱ و در یکی دیگر دوازده هزار نفر^۲ گزارش شده است. در نقل حذیفه بن یمان نیز آمده که در غدیر خم، مجلسی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث غدیر را در آن ایراد فرمود، پراز مهاجر و انصار بود.^۳ از این گزارش می‌توان استفاده کرد که جمعیت شرکت کننده در آن مجلس مردم مدینه بودند.

علمای زیدیه در مورد افضلیت امام علی علیه السلام بر امامت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق نظر دارند. به نظر آنان، حضرت علی علیه السلام شایسته‌ترین و سزاوارترین فرد برای جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند و خلافت خلفای سه‌گانه با وجود ایشان چیزی جز تقدیم مفضول بر افضل نیست.

به نوشته فرقه نویسان، علمای زیدیه در مورد این که آیا نصی درباره جانشینی حضرت علی علیه السلام از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده یا نه، دچار اختلاف شدند. به نظر می‌رسد گزارش‌های منابع فرقه شناختی در این مورد کافی نیست و به رأی گروه اندکی از بزرگان متقدم و مؤسسان فرقه‌های سلیمانیه و صالحیه^۴ ناظر است.

۱. فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۵۱۶.

۲. جشمی بیهقی، *تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین*، ص ۱۰۵.

۳. فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۵۱۶.

۴. مؤسسان این دو فرقه معتقد بودند که امامت امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر عهده

علمی‌ترین روش در این‌گونه مسائل، مراجعه به منابع خود فرقه‌هاست. بنابراین، با توجه به منابع زیدیه و به ویژه آثار دانش‌مندان بزرگ و مؤثر در تاریخ اندیشه زیدیه، روشن می‌شود که آنان به وجود نص بر جانشینی و امامت بلافصل علی علیه السلام قائل بوده و در این مورد به حدیث غدیر نیز تمسک جسته‌اند. به نظر آنان، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خودشان خلافت و ولایت را بر همگان اعلام فرمودند. برای مثال، قاسم بن ابراهیم رسی، از علمای طراز اول زیدیه، در رساله‌ای جداگانه به نام *الامامة* در این باره سخن گفته و خلافت خلیفه اول را نادرست خوانده است. او در این رساله، ادله و توجیهاات کسانی را نقد کرده که ابوبکر را بر حضرت علی علیه السلام مقدم کردند.^۱ قاسم بن ابراهیم رسی جزء کسانی است که اعتقاد دارد رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به اسم و به طور مشخص به جانشینی خود منصوب کرده بودند.^۲ از آن جا که جارودیان متقدم در تقبیح کسانی که بر امام علی علیه السلام پیشی گرفتند، زیاده‌روی نموده، آنان را تکفیر و تفسیق می‌کردند، برخی زیدیه قائل شدند که نص صادر شده در مورد جانشینی علی علیه السلام نه نص آشکار، بلکه نص خفی بود و امت در تشخیص آن به خطا رفتند. لذا این مسأله، کفر و فسق هیچ یک از صحابیان پیامبر صلی الله علیه و آله را موجب نمی‌شود.

گفتنی است که این تفکر تند جارودیه نخستین، در افکار برخی از دانش‌مندان متأخر نیز تأثیر گذاشت و بیهوده نیست که قاضی ابوالقاسم اسماعیل بن احمد بستنی (م ۴۲۰ق) کتابی با عنوان *البحث عن ادلة التكفير والتفسيق* نوشته و در آن قائل شده که اگرچه نص در مورد جانشینی امام علی علیه السلام صادر گردیده، چون آن

شوراست. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، *الملل والنحل*، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۱، تحقیق محمد سید

گیلانی، دارالمعرفة، بیروت: بی تا.

۱. *مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی*، ص ۱۹۷-۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۱۱.

حضرت امامت خود را به صورت فعال اظهار نمی کرده، انجام دادن وظایف امامت توسط خلفای سه‌گانه توجیه می‌شود و کفر یا فسق را موجب نمی‌گردد. این کار آنان از مصادیق معادات با امام علی علیه السلام و یا خذلان او نیز نیست.^۱



۱. بستی، البحث عن ادلة التكفير والتفسيق، ص ۱۰۵-۱۰۶.

منابع

قرآن كريم.

١. أملى زيدى، *تتمة مصابيح ابي العباس حسنى* (همراه المصابيح)، تحقيق عبدالله بن عبدالله بن احمد حوثى، امان: مؤسسة الامام زيد بن علي الثقافية، چاپ اول، ١٤٢٢ق/٢٠٠٢م.
٢. ابن ابي الرجال، شهاب الدين احمد بن صالح، *مطلع البدور و مجمع البحور*، تحقيق عبدالرقيب مطهر محمد حجر، ٤ جلد، صعده: مركز اهل البيت عليه السلام للدراسات الاسلاميه، چاپ اول، ١٤٢٥ق/٢٠٠٤م.
٣. ابن حبان، محمد، *الثقات*، ٩ جلد، حيدرآباد: (هند) مؤسسة الكتب الثقافية، چاپ اول، ١٣٩٣ق.
٤. ابن حجر عسقلانى، شهاب الدين ابوالفضل احمد بن علي، *تهذيب التهذيب*، ١٢ جلد، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤٠٤ق/١٩٨٤م.
٥. ابن حنبل، احمد، *مسند*، ٦ جلد، بيروت: دارصادر، بى تا.
٦. ابن سعد، محمد، *طبقات الكبرى*، ٨ جلد، بيروت: دارصادر، بى تا.
٧. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، *معالم العلماء*، بى تا، بى جا، بى تا.
٨. ابن عباس الوجيه، عبدالسلام، *أعلام المؤلفين الزيدية*، امان: مؤسسة الامام زيد بن علي الثقافية، چاپ اول، ١٤٢٠ق/١٩٩٩م.
٩. ابن عقده، احمد بن محمد، *الولاية*، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين حرزالدين، قم: انتشارات دليل، چاپ اول، ١٤٢١ق/١٣٧٩ش.
١٠. ابن عنبه، جمال الدين احمد بن علي، *عمدة الطالب فى انساب آل ابي طالب*، تحقيق محمد حسن آل طالقانى، نجف: حيدر يه، چاپ دوم، ١٣٨٠ق/١٩٦١م.
١١. ابوطالب، يحيى بن حسين، *الافاده فى تاريخ ائمة الزيدية*، تحقيق محمد يحيى سالم عزان، صعده: دارالحكمة اليمانيه، چاپ اول، ١٤١٧ق/١٩٩٦م.

۱۲. ابوطالب، یحیی بن حسین، تیسیر المطالب فی امالی الامام ابی طالب، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م.
۱۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، نجف: المكتبة الحیدریة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، تاریخ الكبير، ۸ جلد، دیار بکر: المكتبة الاسلامیة، بی تا.
۱۵. بستى، اسماعیل بن احمد، البحث عن ادلة التکفیر والتفسیق، تحقیق ویلفرد مادلونگ و زابینه اشمیتکه، تهران: مرکز دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۶. بستى، اسماعیل بن احمد، المراتب فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، تحقیق محمدرضا انصاری، قم: انتشارات دلیل، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/ ۱۳۸۰ش.
۱۷. جشمی بیهقی، محسن بن محمد، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبیین، تحقیق ابراهیم یحیی الدرسی، صعده: مرکز اهل البيت، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م.
۱۸. جشمی بیهقی، محسن بن محمد، رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس، تحقیق حسین مدرسی، بیروت: دارالمنتخب العربی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
۱۹. حمیری، ابوسعید نشوان، حورالعین، تحقیق کمال مصطفی، بیروت: دار آزال، چاپ دوم، ۱۹۸۵م.
۲۰. رسی، قاسم بن ابراهیم، الکامل المنیر فی اثبات ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام والرد الخوارج، تحقیق عبدالولی یحیی الیهادی، بیروت: بی نا، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م.
۲۱. رسی، قاسم بن ابراهیم، تثبیت الامامة لأهل بیت النبى، تحقیق صالح الوردانی، قاهره: الهدف، بی تا.
۲۲. رسی، قاسم بن ابراهیم، مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، ۲ جلد، صنعاء: دارالحکمة الیمانیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م.

۲۳. زيد بن علي، تفسير غريب القرآن، تحقيق حسن محمد تقي حكيم، بيروت: دارالعلمية، چاپ اول، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
۲۴. سيد بن طاووس، علي بن موسى، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم: بي نا، چاپ اول، بي تا.
۲۵. سيد مرتضى، علي بن حسين، الشافي في الامامة، ۴ جلد، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۶. شجری جرجانی، يحيى بن حسين، الامالي، تحقيق محمد حسن اسماعيل، ۲ جلد، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
۲۷. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، الملل والنحل، تحقيق محمد سيد كيلاني، ۲ جلد، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
۲۸. صاحب بن عباد، اسماعيل (در واقع، ابوطالب، يحيى بن حسين)، الزيديه، تحقيق ناجي حسن، الدار العربية، بيروت: چاپ اول، ۱۹۸۶م.
۲۹. صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، امالي، قم: مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طبري، احمد بن موسى، المنير على مذهب الامام الهادي الى الحق يحيى بن الحسين، تحقيق علي سراج الدين عدلان، صعده: مركز اهل البيت للدراسات الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م.
۳۱. طبري، احمد بن موسى، مجالس الطبري، تحقيق عبدالله بن حمود العزى، امان: مؤسسة الامام زيد بن علي الثقافية، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
۳۲. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، ۶ جلد، بيروت: الأميره، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
۳۳. طوسي، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، ۱۰ جلد، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ش.

۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، ۲ جلد، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
۳۵. عیانی، قاسم بن علی، *مجموع کتب و رسائل الامام القاسم العیانی*، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، صعده: مكتبة التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، ۲ جلد، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ۸ جلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
۳۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
۳۹. کوفی، محمد بن سلیمان، *مناقب الامام امیرالمؤمنین علی*، تحقیق محمد باقر محمودی، ۲ جلد، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۴۰. محلی، حمید الشهید بن احمد بن محمد، *الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه*، تحقیق مرتضی بن زیدالمحطوری الحسنی، ۲ جلد، صنعا: مكتبة بدر، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م.
۴۱. مرتضی لیدین الله، محمد بن یحیی، *الاصول*، تحقیق عبدالله بن حمود عزی، امان: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م.
۴۲. مزی، جمال الدین، *تهذیب الکمال*، تحقیق بشار عواد معروف، ۳۰ جلد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۵م.
۴۳. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، ۴ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م.
۴۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه و شرح محمد باقر ساعدی خراسانی، ایران: اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۳ش.

۴۵. مهدی لدین الله، حسین بن قاسم عیانی، *مجموع کتب و رسائل الامام المهدي* لدین الله حسین بن قاسم عیانی، تحقیق ابراهیم یحیی درسی حمزی، صعده: مرکز اهل البيت عليه السلام للدراسات الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۴م.
۴۶. موسوی نژاد، سیدعلی، *تراث الزیدیه*، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش/ ۲۰۰۵م.
۴۷. موسوی نژاد، سیدعلی، "مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه"، *مجله هفت آسمان*، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۴.
۴۸. هادی الی الحق، یحیی بن حسین، *الاحکام فی الحلال والحرام*، بی نا، چاپ اول، بی جا، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
۴۹. هادی الی الحق، یحیی بن حسین، *تثبیت الامامة*، بیروت: دارالامام السجاد عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۵۰. هادی الی الحق، یحیی بن حسین، *رسائل العدل والتوحيد* (جلد دوم از کتاب مذکور)، تحقیق محمد عماره، قاهره: دارالهلل، ۱۹۷۱م.
۵۱. هادی الی الحق، یحیی بن حسین، *اصول الدین*، صعده: مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م.
۵۲. هادی الی الحق، یحیی بن حسین، *مجموع رسائل الامام الهادي الی الحق التوفيم یحیی بن حسین بن القاسم بن ابراهیم*، تحقیق عبدالله بن محمد الشاذلی، امان: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م.
۵۳. هارونی، احمد بن حسین، *الأمالی الصغری*، تحقیق عبدالسلام عباس الوجیه، صعده: دارالتراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
- ۷۷ ۵۴. هارونی، احمد بن حسین، *التبصره فی التوحيد والعدل*، تحقیق عبدالکریم احمد جدبان، صعده: مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق- ۲۰۰۲م.
۵۵. هلالی، سلیم بن قیس، *سلیم بن قیس*، تحقیق محمد باقر أنصاری، بی جا، بی تا.